

- موضوع اصلی: سالگرد رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام
- موضوع فرعی: آشنایی با زندگی امام خمینی علیه السلام
- مفاصل: مبلغان و مربیان دانش آموزی مقطع متوسطه
- قالب: درسنامه
- مدت زمان تقریبی مطالعه: ۱۵ دقیقه



■ علی آبنباری



خمینی کبیر رحمة الله



## آشنایی با زندگی حضرت امام خمینی رحمة الله

### ارتباط اولیه

غیورمردان ایران زمین! سلام. ان شاء الله که حال دل همه شما عزیزان خوب خوب باشه. خدمت شما عزیزان دل رحلت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام رو تسلیت عرض می کنم. همین ابتدا شادی روح بلند و ملکوتی حضرت امام بلند صلوات بفرستید:

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم حلالاً حلالاً



## شروع با شعر

راه دشوار است، بسم الله الرحمن الرحيم

نامه‌ام را می‌گذارم باز بر دوش نسیم

به نام خدای بخشنده و مهربان.

یعنی که از تو فاطره‌ها بی‌شمار ماند

رفتی و عطر یاد تو در روزگار ماند

تا نهضت امام‌زمان برقرار ماند

رفتی تو و مماسهٔ سرخ مسینات

با این شکوه و جذبۀ پراقتدار ماند

رفتی تو و بنای برومند انقلاب

## قالب عددی

دوستان من! همون طور که می‌دونید، هر فردی با جهان پیرامون خودش ارتباطات زیادی داره که می‌خوام به سه نوع اون اشاره کنم:

۱ ارتباط با خود؛

۲ ارتباط با خدا؛

۳ ارتباط با دیگران.

بیاید در این جلسه، زندگی حضرت امام علیه السلام رو از این سه بُعد بررسی کنیم.

طبیعتاً پرداختن به تمام این ابعاد، نیاز به ساعت‌ها بحث و گفت‌وگو

داره؛ اما به خاطر کمبود وقت، فقط به بخشی از اون اشاره می‌کنیم:



## ۱ ارتباط با خود

همون طور که می‌دونید، ارتباط با خود؛ یعنی بررسی و توجه به بُعد فردی زندگی حضرت امام علیه السلام؛ یعنی دنیایی از حرف که در این جلسه، فقط به دو بخش کوتاهش اشاره می‌کنیم:

### بخش اول: نظم

امام علیه السلام خیلی مرتب و منظم بودن؛ یعنی از همون صبح که از خواب بیدار می‌شدن، هیچ‌کدوم از کارهاشون بدون برنامه نبود و هیچ‌وقت بدون برنامه زندگی نکردن؛ مطالعه ایشون سر ساعت بود، خواب ایشون سر ساعت بود، عبادت ایشون سر ساعت بود، سر ساعت استراحت می‌کردن و حتی سر ساعت رادیو گوش می‌دادن یا تلویزیون می‌دیدن. دختر ایشون می‌گه:

«ما می‌دانستیم چه ساعتی باید پیش آقا برویم، خودمان را مهیا می‌کردیم که الآن ساعت استراحت آفاست؛ وگرنه وقتی ساعت عبادت بود، نمی‌توانستیم برویم. اگر وقت مطالعه و درس بود، نمی‌توانستیم برویم. اگر ساعت کارهای دیگری مثلاً زمان مطالعه گزارش‌های مملکتی بود، نمی‌توانستیم برویم.»<sup>۱</sup>

۱. سروش، مصاحبه با صدیقه مصطفوی، ش ۴۷۶، صص ۱۱-۱۲.

شاید باورتون نشه؛ اما چند سالی که امام علیه السلام در نجف بودن، دقیقاً سر ساعت مشخصی وارد حرم امیرالمؤمنین علیه السلام می شدن. نقل می کنن که عده ای از طلاب و فضلا بعد از نماز مغرب و عشا در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودن که صحبت از ساعت شد و سؤال این بود که «الآن ساعت چنده؟»، هرکی یه ساعتی رو گفت. در همین وقت بود که امام علیه السلام از در قبله وارد صحن شد. یکی از اساتید نجف که اونجا بود، گفت: ساعت های خودتون رو میزان کنید! الآن دقیقاً ساعت دو و نیم نصف شبه؛ چون سیزده ساله که هرشب امام همین ساعت داخل صحن قدم می گذارن<sup>۱</sup>.

صحبت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شد. برای شادی دل حضرت، این صلوات همیشگی رو هدیه کنیم:

صلی الله علی محمد، صلی الله علی النبی

صلی الله علی محمد و علی آل النبی

۱. سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی علیه السلام، سید عبدالمجید ایروانی، ج ۵،



## بخش دوم: اهل مطالعه

امام علیه السلام خیلی اهل مطالعه بود و همه مدل کتابی می خواند. یکی از آشنایان حضرت امام علیه السلام می گه:

«مطالعه امام خیلی زیاد بود. من واقعاً وقتی وارد اتاق می شدم، می دیدم در کتاب گم هستند. ایشان نشسته بودند و یک میز جلویشان بود، به بلندی یک متر دورشان کتاب بود که ایشان اصلاً گم بودند در بین کتاب ها»<sup>۱</sup>.

بچه ها! شما رو به خدا ما چقدر اهل مطالعه هستیم؟ چقدر کتاب های غیردرسی خودمون رو خوندم یا می خونیم؟ اصلاً هر کدام از دوستان بگن چندتا کتاب غیردرسی خوندن؟<sup>۲</sup>

پسر حضرت امام؛ یعنی سید احمد آقا علیه السلام درباره مطالعه ایشان می گن:

«امام در زمان قدیم، مثلاً نجف که بودند، واقعاً شاید در روز صدها صفحه کتاب می خواندند؛ کتاب قصه یا مسائل اجتماعی. چندتا کتاب می آوردند، بیست صفحه

۱. پا به پای آفتاب، عباسعلی عمید زنجانی، ج ۴، ص ۳۸.

۲. مربیان عزیز ابتدا باید از متربیان مشارکت گرفته و پاسخ های آنان را بشنوند، سپس به ادامه بحث پردازند.



از این، ده صفحه از آن، پانزده صفحه از آن. ایشان اکثر داستان‌های معروف را خوانده‌اند؛ حالا چه کتاب‌هایی که جنبهٔ سیاسی یا اجتماعی داشت، مثل «نگاهی به تاریخ جهان» از جواهر لعل نهرو، چه کتاب‌های تاریخی، کتاب‌هایی مثل «شوهر آهو خانم»<sup>۱</sup> را از اول تا آخر خوانده‌اند. می‌خواهم بگویم امام از این سبک چیزها می‌خواندند.<sup>۲</sup>

راستی، به نظر شما چه کنیم که عادت به مطالعه کنیم یا به قول معروف، اهل مطالعه بشیم؟<sup>۳</sup>

شاید بشه گفت که ساده‌ترین راه، همیشه عجیب‌ترین راه نبوده و نیست! برای این که اهل مطالعه بشیم، می‌تونیم از یک راه ساده استفاده کنیم. اونم اینه که از **روزی ۱۰ دقیقه** شروع کنیم و بعد که تثبیت شد، در ادامه بیش‌ترش کنیم. این کار شدنیه بچه‌ها!

۱. شوهر آهو خانم نخستین رمان علی محمد افغانی است. این رمان اجتماعی با استقبال بی‌ظنیری در بازار کتاب ایران روبه‌رو شد. انتشار این رمان حجیم در سال ۱۳۴۰ حادثه‌ای مهم در بازار کتاب و ادبیات داستانی ایران بود.
۲. پیام انقلاب، مصاحبه با سید احمد خمینی، ش ۶۰، ص ۲۴.
۳. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متربیان را بشنوند و سپس به ادامهٔ بحث بپردازند.



## ۲ ارتباط با خداوند

همون طور که می‌دونید، ارتباط با خدا؛ یعنی توجه به **بعد معنوی** زندگی **حضرت امام علی (ع)**. همه ما از ارتباط **حضرت امام علی (ع)** با خدا و **اهل بیت (ع)** چیزهایی شنیدیم و این مسئله ساعت‌ها جای گفت‌وگو و بحث داره؛ اما فقط یک جمله اگر بخوایم بگیم، اینه که ایشان فقط از خدا می‌ترسید.

مثلاً پس از جریان **پانزده خرداد** که امام از زندان آزاد شدن و در **قیطریه** بودن، **آیت‌الله مرعشی نجفی (ع)** به دیدار **حضرت امام علی (ع)** آمده بودن، پرسیدن: وقتی شما را می‌بردن، آیا نترسیدید؟! امام فرمودن: نه خیر! اصلاً نترسیدم. حتی در راه که می‌رفتیم، من استنباط کردم که اشاره کردن به طرف دریاچه نمک (آن موقع شایع بود کسانی که مخالفتی با شاه یا حکومت می‌کردن یا اگر در ارتش مخالفی پیدا می‌شد، می‌آوردن در دریاچه نمک می‌انداختن) لذا احساس کردم اشاره کردن به آنجا. آن وقت هم والله نترسیدم!

دوستان من! شما بفرمایید که چرا **حضرت امام علی (ع)** اصلاً از غیر خدا

۱. نشریه ندا، مصاحبه با دکتر محمود بروجردی، ش ۱، ص ۲۹.



ترس نداشتن؟! آفرین! چون تنها خدا رو همه کاره عالم می دونستن و ارتباط و توکلشون فقط به خدا بود. آنچه براشون اهمیت داشت، فقط رضایت و خشنودی خدا بود.

در یکی از نشریات، از قول فرزند امام نقل شده:

«روز اولی که شاه رفت، ما نوفل لوشاتو<sup>۲</sup> بودیم. نزدیک به سیصد تا چهارصد خبرنگار اطراف منزل امام جمع شده بودند. تختی گذاشتند و امام روی آن ایستادند. تمام دوربین‌ها کار می‌کرد. قرار بود هرچند نفر خبرنگار یک سؤال کنند. دو سه سؤال که از امام شد، صدای اذان ظهر شنیده شد. در کمال تعجب، همه دیدند که بلافاصله امام آنجا را ترک کردند و فرمودند: وقت فضیلت نماز ظهر می‌گذرد.»<sup>۳</sup>

شما بفرمایید که چرا این کار رو کردن؟! چون معتقد بودن که هر کاری در وقت خودش انجام بشه، برکات زیادی داره. موقع نماز هم، مهم‌ترین کار، نمازخوندن هست؛ یعنی مهم‌ترین کار، رابطه با خداست، نه هیچ‌کس و هیچ چیز دیگه‌ای.

۱. ضرورت شنیدن نظرات متریبان.

۲. شهری در فرانسه.

۳. سرگذشت‌های ویژه، ج ۱، ص ۱۹۱.





### ۳ ارتباط با دیگران

بخش ارتباط با دیگران، شامل موارد بسیاری می‌شه؛ از مباحث سیاسی گرفته تا ارتباطات و روابط با دیگران؛ اما در این جلسه فقط به بُعد سیاسی زندگی حضرت امام علیه السلام می‌پردازیم. هرچند بعید می‌دونم بُعد سیاسی زندگی ایشون بر کسی پوشیده باشه.

امام علیه السلام ابراهیم بت شکن زمان ما بودن! بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، رهبر کبیر انقلاب که عالمی مدیون سیاست‌های ایشون هست. هرچی بگیم، مثل قطره‌ای خواهد بود در برابر دریای بیکران؛ اما فقط از باب تبرک به صورت خیلی خیلی کوتاه، فقط به دو صفت ایشون در امور سیاسی اشاره می‌کنیم:

#### الف) شجاعت

شجاعت و نترسی حضرت امام علیه السلام یکی از بارزترین و برجسته‌ترین صفات ایشون در امور سیاسی بود، تا جایی که در قضیه کاپیتولاسیون<sup>۱</sup> یکی از مقامات کشوری به قم آمده بود که با امام ملاقات کند؛ اما امام

۱. این واژه (مصونیت مجرمین آمریکایی در ایران) حتماً توسط مربی توضیح داده شود، خصوصاً اگر احساس شود که متریبان در این باره چیزی نمی‌دانند.



به او اجازه ملاقات ندادند، برای همین او مجبور شده بود به حضور پسر امام؛ یعنی آقا سید مصطفی علیه السلام برود. آن مقام کشوری به آقا مصطفی گفته بود: اگر امام علیه کاپیتولاسیون حرفی می زند، مواظب باشد علیه آمریکا حرف نزند؛ امروز علیه آمریکا حرف زدن خیلی خطرناک تر از سخن گفتن علیه شاه است.

همین باعث شد که رگ غیرت و شجاعت و نترسی حضرت امام علیه السلام متورم شود و در سخنرانی خود بگوید: «رئیس جمهور آمریکا بداند! امروز در پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است. امروز تمام گرفتاری های ما از آمریکاست.» و شدیدترین حمله ها را به آمریکا کرده بودند! داستان جالبی هم در باب شجاعت حضرت امام علیه السلام نقل شده که بسیار جالبه:

در عاشورای سال ۱۳۴۲ قرار بود امام علیه السلام سخنرانی کنند. از طرفی کماندوهای شاه هم در مدرسه فیضیه مستقر بودند. هیاهوی عجیبی در شهر حکم فرما بود و شایع شده بود که امروز خطر زیادی امام رو تهدید می کنه و بهتره ایشون به فیضیه نیان؛ اما ایشون قبول نکردن و حتی حاضر هم نشدن

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مصاحبه با سید حمید روحانی، مورخ: ۱۳۶۸/۰۵/۰۳.



در یک ماشین سربسته باشن و با شجاعت کامل در یک جیب روباز و در میان مردم وارد مدرسه فیضیه شدن و با همان صراحت لهجه و تترسی تمام، خطاب به شاه گفتن: مردک! کاری نکن که بگویم از این مملکت تو را بیرون کنند»<sup>۱</sup>.

شادی روح بلند و پرفتوح **حضرت امام** علیه السلام بلند صلوات بفرستید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

### ب) اقتدار

درباره اقتدار **حضرت امام** علیه السلام در مسائل سیاسی هم فقط به نقل یک خاطره از ایشون بسنده می‌کنیم: در جریان تصرف **لانه جاسوسی آمریکا**، اکثر مسئولین مخالف بودند و هر روز مسئله تازه‌ای مطرح می‌کردند. یکی می‌گفت: با آمریکا نمی‌توان جنگید. دیگری می‌گفت: آمریکا در منطقه نیرو پیاده کرده است. آن یکی می‌گفت: ناوگان آمریکا آمده است؛ ولی امام با اقتدار فرمودند:

«آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند!»<sup>۲</sup>

۱. مجله زن روز، مصاحبه با سید حمید روحانی، ش ۸۵۱، ص ۴۹.

۲. سرگذشت‌های ویژه، نقل از حجت الاسلام انصاری کرمانی، ج ۲، ص ۵۹.



حالا شما بفرمایید که چرا باید در مقابل مستکبر، اقتدار نشان داد؟  
 بله دوستان من! چون اگر در برابر وحشی صفتان عالم کمی احساس  
 ضعف نشان بدیم، حتماً به ما حمله خواهند کرد.

## تنوع

حالا با اقتدار، همگی مشت هامون رو گره می‌کنیم و به آمریکا می‌گیم که:

**ای آمریکای جنایت‌کار، مرگت باد! بلند بگید: «مرگ بر آمریکا».**

احسنت به شما نوجوانان و غیورمردان ایران زمین! این هم از بُعد سوم  
 زندگی **حضرت امام** علیه السلام؛ اما آخر بحث امروزمون رو اختصاص می‌دیم به  
 وصیت‌نامه سردار دل‌ها، **حاج قاسم سلیمانی عزیز** علیه السلام درباره حضرت  
**امام** علیه السلام که می‌نویسد:

«خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن،  
 از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و  
 وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائت  
 را که قرین و قریب معصومین علیهم السلام است، عبد صالح خودت  
 خمینی کبیر علیه السلام را درک کنم و سرباز رکاب او شوم».

۱. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است پاسخ کامل متریبان شنیده شود و از  
 کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر گردد.

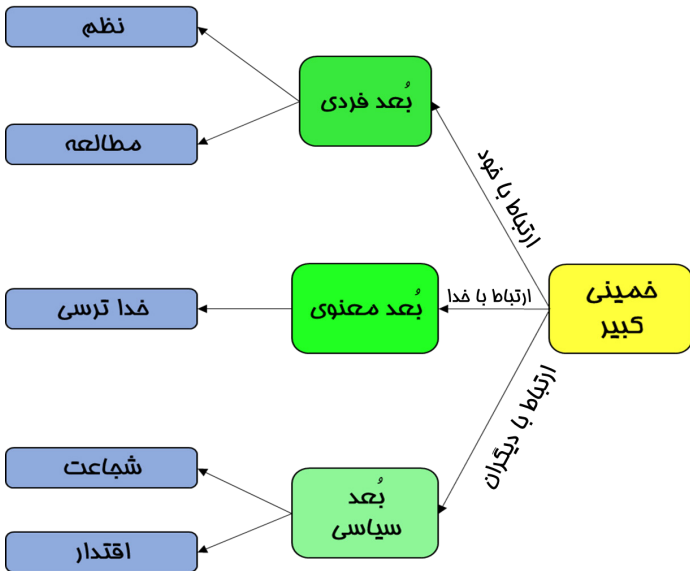


شادی روح حاج قاسم عزیز و تمام شهدای مدافع حرم و ابومهدی  
المهندس رحمته الله بلند صلوات بفرستید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

### جمع بندی

حالا اگر بخواهیم به صورت نموداری بحث امروز رو جمع کنیم، شما کمک کنید و بفرمایید که در این جلسه چی گفتیم؟!



## تکلیف

بچه‌ها! از همین امروز بیاید از حضرت امام علیه السلام الگو بگیریم و خدا جو و

اهل مطالعه بشیم. برای شروع کار ابتدا کتاب

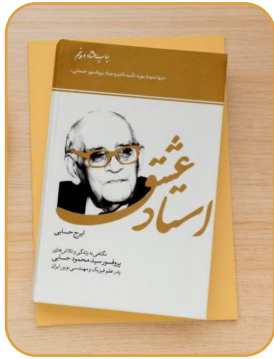
«استاد عشق»<sup>۱</sup> رو به شما عزیزان پیشنهاد

می‌کنم که کتابی بسیار زیبا و خواندنیه و

صد البته انگیزشی.

برای جلسه بعد این کتاب رو بخوانید و

خلاصه‌اش رو ارائه کنید!<sup>۲</sup>



## دعای پایانی

اما در انتهای کلاس بیاید چند دعا داشته باشیم:

خدایا! به ما کمک کن که از میراث خمینی کبیر علیه السلام؛ یعنی انقلاب

اسلامی، به خوبی محافظت کنیم؛ الهی آمین!

۱. کتاب استاد عشق، نگاهی به زندگی و تلاش‌های پروفیسور محمود حسامی پدر علم

فیزیک و مهندسی نوین ایران به کوشش ایرج حسامی فرزند دکتر محمود حسامی در

۲۳۲ صفحه توسط «سازمان چاپ و انتشارات» به چاپ رسیده است.

۲. مریبان گرامی می‌توانند برای انجام این کار، پیشنهاد جایزه نیز بدهند.



بارالها! به ما کمک کن که همیشه یار و یاور کشورمون باشیم؛ **الهی آمین!**  
 آفریدگارا! دشمنان ایران اسلامی رو نابود بفرما؛ **الهی آمین!**  
 پروردگارا! ارتباط ما را با خودمون، با خودت و دیگران، ارتباطی الهی قرار  
 بده؛ **الهی آمین!**  
 ان شاء الله که کشوری در بالاترین مراتب پیشرفت داشته باشیم، بلند  
 صلوات بفرستید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

